



شماره سی ام

زمستان ۱۳۹۳

صفحات ۸۰-۶۱

دوره نهمین واکاوی

## پیرامون کسره اضافه و تکیه در تلفظ نام و نام خانوادگی

دکتر بشیر جم\*

استادیار گروه زبان انگلیسی دانشگاه شهر کرد

### چکیده

یکی از کاربردهای کسره اضافه که طبق جستجوهای نگارنده تاکنون به آن پرداخته نشده است، چسبیدن آن به نام کوچک هنگام تلفظ نام و نام خانوادگی است. به رغم این که کسره اضافه به هر اسمی در ساخت‌های اضافی یا وصفی می‌چسبد، به هر نام کوچکی افزوده نمی‌شود. براساس مطالعات قبلی، تکیه اسم بر هجای آخر واقع می‌شود. بنابراین، این گونه برداشت می‌شود که چون نام و نام خانوادگی از مقوله اسم‌اند، تکیه آنها نیز لزوماً بر هجای آخر قرار می‌گیرد. ولی در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌ایم که تکیه نام و نام خانوادگی در مواردی بر هجای آخر قرار نمی‌گیرد. الگوی تکیه نام و نام خانوادگی و موارد افزودن و حذف کسره اضافه به نام کوچک به هم مرتبط‌اند و تابع محدودیت‌های زبان‌شناختی و فرازبان‌شناختی گوناگونی هستند. این موارد یک‌به‌یک در این مقاله مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

**واژگان کلیدی:** کسره اضافه، واژه‌بست، پی‌بست، تکیه، نام کوچک، نام خانوادگی

\*b\_jam47@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۲۰

نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسؤول:

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۴/۱۵

## ۱- مقدمه

در زیربخش‌های مقدمه برخی مطالعات انجام‌شده پیرامون واژه‌بست کسره اضافه و الگوی تکیه در زبان پارسی معرفی می‌شوند. سپس روش پژوهش توضیح داده می‌شود. در بخش تحلیل داده‌ها به عنوان بخش اصلی مقاله تلفظ نام کوچک و نام خانوادگی ایرانیان و غیرایرانیان با توجه به تفاوت الگوی تکیه و شرایط و محدودیت‌های چسبیدن کسره اضافه به نام کوچک مورد تحلیل قرار گرفته‌است.

## ۱-۱- واژه‌بست

واژه‌بست یک تکواژ وابسته دستوری فاقد تکیه است که در ساخت‌های بزرگ‌تر از واژه شرکت می‌کند و از نظر آوایی با پایه خود یک واژه واجی می‌سازد. واژه واجی درواقع یک گروه یا ساخت نحوی است که از نظر آوایی همانند یک واژه تلفظ می‌شود، اما از نظر صرفی، نحوی و معنایی یک واژه به شمار نمی‌رود. واژه‌بست‌ها همچون وندها به یک میزبان نیاز دارند تا به آن بچسبند. ولی برخلاف وندها جزئی از ساختمان واژه محسوب نمی‌شوند (شقاقی ۱۳۸۶: ۷۲). واژه‌بست‌ها براساس جایگاه پیوندشان به میزبان به چهار دسته تقسیم می‌شوند: «پیش‌بست»<sup>۱</sup> و «پی‌بست»<sup>۲</sup>، که به ترتیب به ابتدا و انتهای واژه میزبان می‌چسبند. «میان‌بست»<sup>۳</sup> که بین میزبان و یک وند دیگر قرار می‌گیرد و «درون‌بست»<sup>۴</sup> که براساس هریس<sup>۵</sup> (۲۰۰۲) و کری<sup>۶</sup> (۲۰۰۳) ریشه واژه میزبان را می‌شکافد و در وسط آن جای می‌گیرد.

کسره اضافه (e-) یکی از واژه‌بست‌ها یا به بیان دقیق‌تر پی‌بست‌های زبان پارسی است. براساس استاجی و جهانگیری (۱۳۸۵) کسره اضافه در ساخت‌های اضافی (مضاف+ مضاف‌الیه) یا وصفی (موصوف+ صفت) به دنبال اسم می‌آید و آن را به اسم/ گروه اسمی یا صفت/ گروه صفتی بعد از خود مربوط می‌کند. کسره اضافه در خط پارسی نشانه‌ای ندارد، مگر اینکه: الف- مضاف/ موصوف به آنچه که «های غیرملفوظ» نامیده می‌شود،

1. proclitic
2. enclitic
3. mesoclitic
4. endoclititic
5. Alice C. Harris
6. Ethelbert Emmanuel Kari

پایان یافته باشد. در این صورت نشانه خطی «ء» یا «ی» نشانه اضافه است؛ مانند «خانه / ی علی». ب- مضاف / موصوف به «ا» و «و» ختم شده باشد. در این حالت بعد از آنها حرف «ی» ظاهر می‌شود؛ مانند «هوای سرد» و «بوی گل». استاجی و جهانگیری (۱۳۸۵) با ارجاع به راستارگویوا (۱۳۴۷)، ابوالقاسمی (۱۳۷۵) و ناتل خانلری (۱۳۷۷) بیان می‌کنند که کسره اضافه در پارسی میانه در نقش موصول و نشانه اضافه بوده و به صورت [i] تلفظ می‌شده است. ریشه آن نیز به ضمیر موصولی تصریف‌پذیر "hya" در ایرانی باستان برمی‌گردد.

به نظر قمشی (۱۹۹۷) کسره اضافه به مصدر (مانند خوردن آب)، صفت (مانند منتظر ژیان) و حرف اضافه (مانند پشت منزل) نیز افزوده می‌شود. کسره اضافه به صورت آشکار یا محذوف در ساختمان واژه‌های مرکبی که ترکیب اضافه‌ای نامیده می‌شوند نیز وجود دارد. کلباسی (۱۳۷۱: ۳۹-۳۸) آنها را به انواع زیر تقسیم می‌کند:

- ۱) اسم + اسم ← اسم / صفت / قید  
اسم: تخم‌مرغ، قلم‌مو، پدرزن، صفت: دم‌بخت، سرحال. قید: سروقت، سرپا.
- ۲) اسم + صفت ← اسم / صفت / قید  
اسم: مادر بزرگ، لیموشیرین. صفت: دل‌تنگ، سربلند. قید: دست‌کم، دست‌خالی.
- ۳) صفت جانشین اسم + اسم ← صفت: جالب‌توجه، قابل‌ملاحظه، ضدانقلاب.
- ۴) صفت جانشین اسم + صفت ← صفت: آبی آسمانی، سبز سیر.
- ۵) اسم + ضمیر ← صفت / قید؛ صفت: سرخود، سرهم. قید: پشت هم، روی هم.

زوئیکی<sup>۱</sup> و پلوم<sup>۲</sup> (۱۹۸۳) بیان می‌کنند که واژه‌بست‌ها آزادانه‌تر از وندها میزبان را انتخاب می‌کنند. این نظر در مورد امکان چسبیدن بدون محدودیت کسره اضافه به مقوله اسم در ساخت‌های اضافی، وصفی و همچنین در ترکیب‌های اضافه‌ای مانند نمونه‌های (۱) درست است:

[padoje χub]	، «پادوی خوب»	[bazije bad]	«بازی بد»
[ruje zamin]	، «روی زمین»	[maʃeje tofaŋg]	«ماشه تفنگ»
[sinderellaje ziba]	، «سیندرلای زیبا»	[naje Gateʔ]	«نه قاطع»

1. Arnold M. Zwicky  
2. Geoffrey K. Pullum

از موارد کاربردهای کسره اضافه که طبق جستجوهای نگارنده تاکنون به آن نپرداخته‌اند، چسبیدن آن به نام کوچک هنگام تلفظ نام و نام خانوادگی است. به‌رغم اینکه کسره اضافه به هر اسمی در ساخت‌های اضافی یا وصفی می‌چسبد، به هر نام کوچکی افزوده نمی‌شود. فرایند چسبیدن واژه‌بست کسره اضافه به نام کوچک، در بافتی که نام خانوادگی در پی آن بیاید، چندان هم آزادانه نیست. چندین عامل زبان‌شناختی و فرازبان‌شناختی<sup>۱</sup> رخداد این فرایند را محدود می‌کند. عوامل زبان‌شناختی شامل شرایط واجی و آوایی شیوه تلفظ نام و نام خانوادگی، و عوامل فرازبان‌شناختی شامل شرایط ملیتی، فرهنگی و دینی شخصی است که نام و نام خانوادگی او بر زبان رانده می‌شود. این عوامل فرازبان‌شناختی خارج از حوزه صرف، واج‌شناسی و آواشناسی قرار دارند و تقریباً در حوزه جامعه‌شناسی زبان قرار می‌گیرند. تعامل این تعداد عامل زبان‌شناختی و فرازبان‌شناختی در تعیین امکان کاربرد یک عنصر زبانی پدیده‌ای بی‌نظیر در میان زبان‌های دنیاست. این عوامل در بخش دوم این مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

#### ۱-۲- تکیه در زبان پارسی

تاکنون پژوهش‌های بسیاری پیرامون تکیه در زبان پارسی انجام پذیرفته‌است. برخی از این پژوهش‌ها در چارچوب نظریه‌های نوین و برخی دیگر فارغ از یک چهارچوب نظری خاص انجام شده‌اند. خودزکو،<sup>۲</sup> ایران‌شناس لهستانی، نخستین کسی بود که در کتاب دستور زبان پارسی (۱۸۵۲) تکیه در زبان پارسی را مورد بررسی قرار داد. فیلات<sup>۳</sup> (۱۹۱۹) و فرگوسن<sup>۴</sup> (۱۹۵۷) نیز دیگر غیرایرانیانی بودند که موضوع تکیه در زبان پارسی را بررسی کردند. نخستین ایرانیانی که به تکیه پرداختند، وزیر (۱۳۰۱) و سپس ناتل خانلری (۱۳۳۷) بودند. از میان پژوهش‌هایی که تکیه را در چارچوب‌های نظری خاص مورد تحلیل قرار دادند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

آواشناسی آکوستیک: سپنتا (۱۳۵۱)، محمدوا (۱۳۵۴) و ابوالحسنی‌زاده (۱۳۹۲)؛

زبان‌شناسی مقابله‌ای: یارمحمدی (۱۹۶۴) و حیاتی (۱۹۹۷)؛

1. extralinguistic
2. Aleksander Borejko Chodźko
3. Douglas Graven Phillot
4. Charles Ferguson

- آواشناسی تولیدی<sup>۱</sup>: حق شناس (۱۳۵۶)؛  
 واج شناسی تاریخی: صادقی (۱۳۶۸)؛  
 نظریه وزنی<sup>۲</sup> و نظریه بهینگی<sup>۳</sup>: امینی (۱۹۹۷)؛  
 واج شناسی گروهی (نوایی<sup>۴</sup>): کهنمویی پور (۲۰۰۳)؛  
 واج شناسی نوایی: بی جن خان و نوربخش (۱۳۸)؛  
 نظریه بهینگی: راسخ مهند (۱۳۸۳)؛  
 واج شناسی لایه ای<sup>۵</sup>: اسلامی (۱۳۸۸).

از مطالعات پیشین پیرامون تکیه در ارتباط با پژوهش حاضر، موارد قابل طرح این است که عموماً همه پژوهش‌هایی که به بررسی تکیه در مقوله‌های مختلف واژگانی به‌ویژه مقوله اسم پرداخته‌اند بیان کرده‌اند که در این مقوله، اسم‌های بسیط، مشتق و ترکیب‌های اسمی، تکیه بر هجای آخر واقع می‌شود و تعداد هجای واژه هیچ‌گونه نقشی در تعیین یا تغییر هجای تکیه بر ندارد:

(۲) [χa.'ne]	, «خانه» [gol.'dan]	«گلدان»
[ʔab.ɟarm'kon]	, «آب گرم کن» [sa.'naz]	«ساناز»
[χu.zes.'tan]	, «خوزستان» [far.had.za.'de]	«فرهادزاده»

لی تکیه بر بودن هجا در تلفظ نام کوچک و نام خانوادگی به طور جداگانه یا در بافتی که نام خانوادگی در پی نام کوچک بیاید، همچون عوامل تأثیرگذار در کاربرد کسره اضافه، به چندین عامل زبان‌شناختی و فرازبان‌شناختی بستگی دارد. عوامل زبان‌شناختی شامل شخص و شمار و شیوه تلفظ نام و نام خانوادگی، الگوی تکیه نام در زبان بیگانه، و عوامل فرازبان‌شناختی شامل شرایط ملیتی، و دینی شخصی است که نام و نام خانوادگی او بر زبان رانده می‌شود. این عوامل فرازبان‌شناختی نیز تقریباً در حوزه جامعه‌شناسی زبان قرار می‌گیرند. پیرامون تکیه نیز می‌توان گفت که تعامل این تعداد

1. articulatory phonetics
2. metrical theory
3. optimality theory
4. phrasal phonology (prosodic)
5. Autosegmental- metrical

عامل زبان‌شناختی و فرازبان‌شناختی در ارتباط با یک عنصر زبانی پدیده‌ای بی‌نظیر در میان زبان‌های دنیاست. این عوامل نیز در بخش دوم این مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

### ۱-۳- روش پژوهش

این مقاله به روش توصیفی- تحلیلی انجام گرفته‌است. تشخیص هجای تکیه‌بر و کاربرد یا عدم کاربرد کسره‌افزافه در نام‌های ایرانیان و غیرایرانیان براساس شم زبانی و علاقه نگارنده به حوزه واج‌شناسی و طبق تلفظ نام‌ها در رسانه‌ها همچون اخبار صدا و سیما، گزارش مسابقات ورزشی، فیلم‌های مستند و سینمایی دوبله‌شده و... بوده‌است. همچنین از چندین نفر، بدون ارائه هیچ توضیحی، خواسته شد تا انواع نام‌های کوچک و خانوادگی را که نمونه‌هایی از آنها در این پژوهش آمده، در قالب جمله و خارج از بافت جمله به طور فهرست‌وار تلفظ کنند. از آنجا که این پژوهش مبتنی بر تحلیل‌های آماری نیست، هیچ‌گونه آماری در آن ارائه نشده‌است.

### ۲- تحلیل داده‌ها

بخش تحلیل داده‌ها به عنوان بخش اصلی این مقاله شامل دو زیربخش نام‌های ایرانیان و نام‌های غیرایرانیان است:

#### ۱-۲- نام‌های ایرانیان

##### ۱-۲-۱- تکیه نام‌های کوچک و خانوادگی

در زبان پارسی هنگامی که کسی نام کوچک/ نام خانوادگی خودش یا شخص ایرانی دیگری را به صورت سوم‌شخص بر زبان می‌راند، خواه آن نام ریشه‌پارسی، عربی، ترکی یا فرنگی داشته باشد، با قرار گرفتن تکیه بر هجای آخر تلفظ می‌شود:

[par.'vin]	«پروین»	[se.peh.'ri]	«سپهری»
[?ah.'mad]	«احمد»	[re.za.'?i]	«رضایی»
[baj.'ram]	«بایرام»	[far.ha.duG.'lu]	«فرهاداوغلو»
[lin.'da]	«لیندا»	[Ga.re.guz.'lu]	«قره‌گوزلو»
[he.'len]	«هلن»	[ti.mo.ti.'jan]	«تیموتیان»

ولی هنگام به کار بردن نام کوچک یا نام خانوادگی دوم شخص مفرد (منادا)، تکیه بر هجای نخست قرار می‌گیرد و به صورت تکیه پایانی تلفظ نمی‌شود:

- (۴) [sa. 'lam 'bah.ram/ \*bah.'ram] «سلام بهرام»  
 [tʃe.'to.ri 'soh.ra.bi/ \*soh.ra.'bi] «چطوری سهرابی؟»

## ۲-۱-۲- تلفظ نام کوچک به همراه نام خانوادگی با کسره اضافه

تلفظ نام کوچک همراه با نام خانوادگی ایرانیان چه با ریشه پارتی، عربی، ترکی یا فرنگی، به دو صورت انجام می‌شود؛ یا با افزودن کسره اضافه (واکه /e/) به نام کوچک یا بدون کسره اضافه. در صورت کاربرد کسره اضافه، ممکن است درنگ کوتاهی نیز میان تلفظ نام کوچک و نام خانوادگی وجود داشته باشد. افزودن یا نیفزودن کسره اضافه تابع شرایط ویژه‌ای است؛ اگر آخرین واج نام کوچک یک همخوان باشد، یک کسره اضافه به آن افزوده می‌شود. کسره اضافه موجب تشکیل یک هجا در پایان واژه می‌شود. البته چون در زبان پارسی امکان تشکیل هجای بدون آغازه وجود ندارد، آخرین همخوان نام کوچک که در جایگاه پایانه قرار دارد، طی فرایند «هجاسازی مجدد»<sup>۱</sup> از پایانه جدا شده و در آغازه تهی واکه /e/ قرار می‌گیرد. انتقال یک همخوان از یک هجا به هجای مجاور «هجاسازی مجدد» نامیده می‌شود. همچنین، از آنجا که کسره اضافه یک واژه‌بست است، افزوده شدن آن موجب جابه‌جایی تکیه نمی‌شود. از این رو، باید گفت که طبق یک قاعده در زبان پارسی اگر به انتهای نام کوچک کسره اضافه افزوده شده باشد، هجای آخر آن تکیه‌بر نیست، بلکه هجای ماقبل آخر آن تکیه می‌پذیرد:

- «بهرام رازی» → [bah.'ra.me ra.'zi] /bah.'ram+e ra.'zi/ (۵)

همان‌گونه که در نام کوچک بالا (بهرام) آشکار است، همخوان /m/ طی فرایند هجاسازی مجدد از پایانه هجای /ram/ جدا شده و در آغازه تهی واکه /e/ قرار گرفته است. اگر آخرین واج نام کوچک یک واکه<sup>۲</sup> باشد، افزوده شدن یا نشدن کسره اضافه به مشخصه‌های واکه بستگی دارد:

### 1. resyllabification

۱- از شش واکه زبان پارسی، /a/ تنها واکه‌ای است که در انتهای هیچ نامی وجود ندارد. در واقع این واکه در واژه‌های زبان پارسی فقط در انتهای واژه‌های «نه» و «و» وجود دارد.

## الف - واکه /i/:

به انتهای نام‌های کوچکی که آخرین واج آنها واکه پیشین /i/ است، کسره اضافه افزوده می‌شود. در این وضعیت نیز در پایان واژه باید یک هجا با مرکزیت کسره اضافه تشکیل بشود. ولی عدم امکان تشکیل هجای بدون آغازه در زبان پارسی ایجاب می‌کند که یک همخوان در آغازه تهی واکه کسره اضافه (/e/) قرار بگیرد. ولی آخرین واج نام کوچک یک همخوان نیست، بلکه واکه /i/ است. بنابر این، امکان رخداد فرایند هجاسازی مجدد وجود ندارد. این وضعیت «التقای واکه‌ها»<sup>۱</sup> نامیده می‌شود که در زبان پارسی مجاز نیست و باید برطرف شود. التقای واکه‌ها وضعیتی است که هیچ همخوانی مابین واکه‌ها یا به بیانی فنی‌تر، هسته‌های دو هجای مجاور وجود نداشته باشد. این وضعیت هنگامی روی می‌دهد که در دو هجای مجاور، هجای سمت چپ فاقد پایانه و هجای سمت راست فاقد آغازه باشد. التقای واکه‌ها در اینجا از طریق درج همخوان میانجی /j/ در آغازه تهی واکه /e/ برطرف می‌شود؛ دو قاعده درج واکه /e/ (کسره اضافه) و درج همخوان میانجی /j/ در نام «مانی» از بازنمایی زیرساختی تا بازنمایی آوایی در (۶) نشان داده شده‌است:

/ma.'ni	ra.'zi/	(۶) بازنمایی زیرساختی
ma.'ni+e	ra.'zi	درج کسره اضافه
ma.'ni.je	ra.'zi	درج همخوان میانجی /j/
[ma.'ni.je	ra.'zi]	بازنمایی آوایی

## ب - واکه /e/:

نام‌های کوچکی همچون «فاطمه»، «زاله» و «خاطره» که آخرین واج آنها در بازنمایی زیرساختی واکه کوتاه /e/ است، به یکی از دو صورت متفاوتی که بازنمایی آوایی شان در (۷-الف) و (۷-ب) نشان داده شده‌است، تلفظ می‌شوند:

(۷)

- (۷-الف) [fa.te.'me.je ra.'zi], [ʒa.'le.je ra.'zi], [χa.te.'re.je ra.'zi]  
 (۷-ب) [fa.te.'me; ra.'zi], [ʒa.'le; ra.'zi], [χa.te.'re; ra.'zi]



همان گونه که در نمونه‌های (۷- الف) آشکار است، کسره اضافه به انتهای نام کوچک افزوده شده‌است. در این وضعیت نیز همانند نام‌های کوچکی که آخرین واج آنها واکه /i/ است، همخوان میانجی /j/ در آغازۀ تهی واکه /e/ درج می‌شود. دو قاعدۀ درج واکه /e/ (کسره اضافه) و درج همخوان میانجی /j/ در نام «فاطمه» از بازنمایی زیرساختی تا بازنمایی آوایی در (۸) نشان داده شده‌است:

/fa.te.'me ra.'zi/	بازنمایی زیرساختی
fa.te.'me+e ra.'zi	درج کسره اضافه
fa.te.'me.je ra.'zi	درج همخوان میانجی /j/
[fa.te.'me.je ra.'zi]	بازنمایی آوایی

ولی همان گونه که در نمونه‌های (۷- ب) مشخص است، واکه /e/ در بازنمایی آوایی به صورت کشیده [e:] تبدیل شده‌است. در اینجا این فرضیه مطرح می‌شود که کسره اضافه به نمونه‌های (۷- ب) افزوده نشده‌است. از طرفی، این پرسش پیش می‌آید که چرا واکه /e/ کشیده شده‌است؟ با دقت بیشتر مشخص می‌شود که هم واکه انتهای این نام‌ها و هم کسره اضافه یکی، یعنی /e/ است. همچنین، با توجه به اینکه یکی از دلایل کشیده شدن یک واکه درج واکه یکسان در مجاورت آن است، مشخص می‌شود که کسره اضافه به نمونه‌های (۷- ب) نیز افزوده شده‌است. دلیل دیگری که می‌توان مطرح کرد، «اصل مرز اجباری»<sup>۱</sup> است. طبق این اصل، دو عنصر آوایی یکسان نمی‌توانند بدون هیچ فاصله‌ای در کنار هم قرار داشته باشند. بنابراین، این گونه می‌توان برداشت کرد که اگر شرایطی به وجود بیاید که دو عنصر آوایی یکسان در مجاورت هم قرار بگیرند، این اصل به یکی از سه شیوۀ زیر رعایت خواهد شد: ایجاد فاصله میان دو عنصر آوایی یکسان، حذف یکی از آنها یا یکی شدن آنها. در نمونه‌های (۷- الف) با درج همخوان میانجی /j/ میان دو رخداد، واکه /e/ فاصله ایجاد شده‌است. اما کشش واکه [e:] در نمونه‌های (۷- ب) حاکی از درج کسره اضافه و سپس یکی شدن دو واکه است. پس فرضیۀ «عدم درج کسره اضافه» رد می‌شود. دو قاعدۀ درج کسره اضافه و کشش واکه /e/ در نام «فاطمه» از بازنمایی زیرساختی تا بازنمایی آوایی در (۹) نشان داده شده‌است:

/fa.te.'me ra.'zi/	(۹) بازنمایی زیرساختی
fa.te.'me+e ra.'zi	درج کسره اضافه
fa.te.'me: ra.'zi	درج همخوان میانجی /e/
[fa.te.'me: ra.'zi]	بازنمایی آوایی

### پ- واکه /u/:

به انتهای نام‌های کوچکی که آخرین واج آنها واکه /u/ است، معمولاً کسره اضافه افزوده نمی‌شود. اگر مضاف/ موصوف به واکه /u/ ختم شده باشد، بعد از آنها حرف «ی» ظاهر می‌شود؛ مانند «بوی گل» و «بوی خوش». کسره اضافه در زیرساخت تمام ساخت‌های اضافی (مضاف + مضاف‌الیه) یا وصفی (موصوف + صفت) وجود دارد و تابع محدودیت‌های آوایی نیست. اگرچه ممکن است به دلایل دیگری در روساخت حذف شود. برای نمونه، در صورت حذف کسره اضافه در نمونه‌های بالا صورت‌های نادرست \* «بو گل» و \* «بو خوش» ایجاد می‌شد. ولی نیفزودن کسره اضافه به انتهای نام‌هایی همچون «آرزو»، «مینو» و «آهو» موجب نادرستی تلفظ نام و نام خانوادگی نمی‌شود:

[ʔa.re.'zu ra.'zi], [mi.'nu ra.'zi], [ʔa.'hu ra.'zi] (۱۰)

به نظر می‌رسد پسین بودن واکه /u/ و برعکس، پیشین بودن واکه /e/ دلیل افزوده‌نشدن کسره اضافه به نام‌های مختوم به واکه /u/ باشد. زیرا اندام‌های فراگویی<sup>۱</sup> برای جابه‌جایی از وضعیت تولید واکه پسین /u/ به وضعیت تولید واکه پیشین /e/ نیاز به صرف انرژی مضاعفی دارند. براساس کرشنر<sup>۲</sup> (۲۰۰۱: ۴ و ۲۱) دو عامل فیزیکی جابه‌جایی بیشتر اندام فراگویی و طول مدت زمان بیشتر در تولید یک آوا حاکی از مصرف بیشتر انرژی و کوشش بیشتر برای تولید آن آواست. بنابراین، گویشوران تمایل دارند واحدهای واجی را با صرف نیرو و کوشش کمتری تولید کنند. این اصل مهم در واج‌شناسی نقش‌گرا<sup>۳</sup> براساس بوسمن<sup>۴</sup> (۱۹۹۶) و برزما<sup>۵</sup> (۱۹۹۸) به ترتیب «قانون کمترین کوشش»<sup>۶</sup> و «اصل کوشش کمینه»<sup>۷</sup> نامیده می‌شود.

1. articulators
2. Robert Kirchner
3. Functional Phonology
4. Hadumod Bussmann
5. Paul Boersma
6. law of least effort
7. principle of minimal effort

## ت - واکه /o/

کسره اضافه معمولاً به انتهای نام‌های کوچک مختوم به واکه /o/ افزوده نمی‌شود. ولی در صورت افزودن آن، همخوان میانجی گرد /w/ در آغاز تهنی واکه /e/ قرار می‌گیرد. مانند نام‌های «خسرو» و «پرتو»:

(۱۱) [χos.'ro(.we) hej.da.'ri], [par.'to(.we) soh.ra.'bi]

به نظر می‌رسد دلیل اختیاری بودن افزودن کسره اضافه به نام‌های مختوم به واکه /o/ این است که از یک سو، جابه‌جایی اندام‌های فراگویی از وضعیت تولید واکه پسین /o/ به وضعیت تولید واکه پیشین /e/ موجب صرف زمان و انرژی مضاعفی می‌شود و از سویی دیگر، کوتاه بودن واکه /o/ و نیاز به کشش آن دلیل افزوده شدن کسره اضافه به نام‌های مختوم به واکه /o/ است.

## ث - واکه /a/

به انتهای نام‌های کوچکی که آخرین واج آنها واکه /a/ است، کسره اضافه هرگز افزوده نمی‌شود. البته در بخش مقدمه بیان شد که چنانچه مضاف/ موصوف به واکه /a/ ختم شده باشد. در این حالت بعد از آنها حرف «ی» ظاهر می‌شود؛ مانند «هوای سرد». همچنین، در بخش مربوط به واکه /u/ توضیح داده شد که کسره اضافه در زیرساخت تمام ساخت‌های اضافی (مضاف+ مضاف‌الیه) یا وصفی (موصوف+ صفت) وجود دارد و تابع محدودیت‌های آوایی نیست. اگرچه ممکن است به دلایل دیگری در روساخت حذف شود. ولی نیفزودن کسره اضافه به انتهای نام‌های کوچک موجب نادرستی تلفظ نام و نام خانوادگی نمی‌شود:

(۱۲) [re.'za ra.'zi], [si.'na ra.'zi], [ʃah.'la ra.'zi]

دلیل اصلی افزوده‌نشدن کسره اضافه به نام‌های مختوم به واکه /a/ نیز همان دلیل افزوده‌نشدن آن به نام‌های مختوم به واکه‌های /o/ و /u/ است. افزون بر اینکه واکه /a/ یک واکه افتاده و همخوان میانجی /j/ که در صورت افزودن کسره اضافه باید مابین آنها درج می‌شد، یک همخوان کامی است. در صورت درج همخوان /j/ زبان پس از تولید واکه /a/ باید برای تولید این همخوان از کف دهان به سقف دهان جابه‌جا می‌شد. بنابراین، این جابه‌جایی مستلزم صرف زمان و انرژی مضاعفی می‌بود که گویشوران براساس «اصل کوشش کمینه» تمایلی به آن ندارند.

۲-۱-۳- تلفظ نام کوچک به همراه نام خانوادگی بدون کسره اضافه  
نیفزودن کسره اضافه به نام کوچک معمولاً موجب تلفظ بدون درنگ، پیوسته و یک نفس  
نام کوچک و نام خانوادگی می‌شود. در این حالت انتهای نام کوچک به ابتدای نام  
خانوادگی می‌چسبد. گویی نام کوچک و نام خانوادگی یک نام است. این وضعیت موجب  
حذف تکیه اصلی نام کوچک می‌شود. بنابر این، فقط هجای آخر نام خانوادگی دارای  
تکیه اصلی خواهد بود:

(۱۳)	با کسره اضافه	بدون کسره اضافه
	[bah.'ra.me soh.ra.'bi]	[bah.ram.soh.ra.'bi]
	[ʔa.'li.je soh.ra.'bi]	[ʔa.li.soh.ra.'bi]
	[ʒa.'le.je soh.ra.'bi]	[ʒa.le.soh.ra.'bi]

اگر آخرین واج نام کوچک، یک همخوان و نخستین واج نام خانوادگی یک واکه  
باشد، آنگاه آن همخوان طی فرایند هجاسازی مجدد از نام کوچک جدا شده و در آغاز  
تهی هجایی که هسته‌اش آن واکه است قرار می‌گیرد:

(۱۴)	با کسره اضافه	بدون کسره اضافه
	[ʔa.'ra.ʃe ʔi.ma.'ni]	[ʔa.ra.ʃi.ma.'ni] «آرش ایمانی»

اگر پس از نام‌های کوچک منتهی به واکه‌های /u/، /o/ و /a/ نیز نام خانوادگی بدون  
درنگ، پیوسته و یک نفس ادا شود، تکیه اصلی نام کوچک حذف می‌شود و فقط هجای  
آخر نام خانوادگی دارای تکیه اصلی خواهد بود:

(۱۵)	[mi.'nu soh.ra.'bi]	[mi.nu.soh.ra.'bi]
	[χos.ro.hej.da.'ri]	[χos.'ro hej.da.'ri]
	[re.za.soh.ra.'bi]	[re.'za soh.ra.'bi]

از مواردی که کسره اضافه در تلفظ نام و نام خانوادگی ایرانیان قاعده‌تاً نباید به کار  
برود، هنگام سخن گفتن به زبان‌های خارجی است. با این حال، معمولاً زبان‌آموزان  
مبتدی هنگام معرفی خود به زبان انگلیسی یا متصدیان بلندگوی ورزشگاه‌ها هنگام  
معرفی بازیکنان ایرانی در مسابقات بین‌المللی کسره اضافه را به کار می‌برند. غافل از این  
که کسره اضافه بخشی از نام کوچک نیست، بلکه ویژگی صرفی خاص زبان پارسی است:

- (۱۶) My name is \*[ʒa.'le.je soh.ra.'bi] نام من ژاله سهرابی است.  
Number 10, \*[ʔa.'li.je da.'ʔi] شماره ۱۰، علی دایی.

## ۲-۱-۴- نام‌های ایرانیان ارمنی

نام‌های کوچک و خانوادگی ارمنه چه جداگانه، چه با هم، مانند نام‌های سایر ایرانیان با قرار گرفتن تکیه بر هجای آخر تلفظ می‌شود. تنها تفاوتی که میان تلفظ نام‌های ارمنه و سایر ایرانیان وجود دارد این است که کسره اضافه به نام‌های کوچک ارمنه افزوده نمی‌شود؛ برای نمونه، نام چند فوتبالیست معروف ارمنی در (۱۷) ذکر شده‌است:

- (۱۷) [ʔand.ra.'nic tej.mu.ri.'jan] «آندرانیک تیموریان»  
[ʔed.'mond be.'zic] «ادموند بزیک»  
[mar.'kar ʔa.Ga.dʒa.ni.'jan] «مارکار آقاجانیان»

اگر آنها ایرانی نبودند، نامشان با الگوی تکیه متفاوتی تلفظ می‌شد. برای نمونه، «ادموند بزیک» به صورت [ʔed.mond 'be.zic] تلفظ می‌شد. این واقعیت نشان می‌دهد که تکیه پایانی بودن نام یک فرد در زبان پارسی مشروط به ایرانی بودن اوست. جامعه ایران معمولاً به گونه‌ای است که یک خارجی را حتی پس از سال‌ها زندگی در ایران به عنوان ایرانی نمی‌پذیرد. مطابق بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، در ایران تابعیت به طور عمده بر «سیستم خون» یعنی تولد از پدر ایرانی متکی است، و حتی زاده شدن یک خارجی در خاک ایران (سیستم خاک) موجب ایرانی شدن او نمی‌شود. مثلاً، برخلاف بسیاری از کشورها که به بازیکنان خارجی تابعیت می‌دهند و آنها را در تیم‌های ملی‌شان به کار می‌گیرند، لازمه عضویت در تیم‌های ملی ایران تولد از پدری ایرانی است. همچنین، با توجه به اینکه زبان، آیین، تمام‌نمای فرهنگ هر ملتی است، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که تفاوت الگوی تکیه نام ایرانیان با غیرایرانیان بازتاب ویژگی فوق‌الذکر جامعه ایران در زبان پارسی است. از سویی دیگر، عدم کاربرد کسره اضافه در مورد نام‌های ایرانیان ارمنی نشان می‌دهد که این واژه‌بست مشروط به بافت فرهنگی و نوع نام است. دین، فرهنگ و نام‌های متفاوت ایرانیان ارمنی موجب تمایز ایشان از سایر ایرانیان شده‌است. در این مورد نیز می‌توان این‌گونه برداشت کرد که این تمایز فرهنگی به صورت عدم کاربرد کسره اضافه در مورد نام‌های ایرانیان ارمنی در زبان پارسی بازتاب یافته‌است.

## ۲-۲- نام‌های غیرایرانیان

کسره اضافه به نام‌های غیرایرانیان افزوده نمی‌شود. برای نمونه، نام‌های کوچک سیاست‌مداران پاکستانی، «پرویز مشرف» و «بی‌نظیر بوتو» و سیاست‌مدار کرد عراقی «هوشیار زیباری» حتی به‌رغم پارسی‌بودن بدون افزودن کسره اضافه تلفظ می‌شوند. در صورتی که اگر آنها ایرانی بودند، با افزودن کسره اضافه به صورت «پرویز مشرف»، «بی‌نظیر بوتو» و «هوشیار زیباری» تلفظ می‌شدند. همچنین، در صورتی که فقط نام کوچک یا فقط نام خانوادگی بیگانگان تلفظ شود، یا نام و نام خانوادگی با هم تلفظ شوند، غالباً همان الگوی تکیه‌ی زبان مبدأ رعایت می‌شود. البته الگوی تکیه‌ی زبان مبدأ نام هنگامی رعایت می‌شود که ساخت هجایی آن مطابق ساخت هجایی زبان پارسی باشد: الف- وجود یک همخوان در آغازۀ اولین هجای نام‌های کوچک و خانوادگی

(ساخت هجایی مطابق با ساخت هجایی زبان پارسی)

«کارلوس»	/ˈkɑrləs/ → [ˈkɑr.los]	, «رونالد»	/ˈrɑnəld/ → [ˈrɑ.nəld]
«دیوید»	/ˈdeɪvɪd/ → [ˈde.j.vid]	, «ویلیام»	/ˈwɪlɪəm/ → [ˈvi.li.jəm]
«مایکل»	/ˈmaɪkəl/ → [ˈmaj.ɔl]	, «جرمی»	/ˈdʒerəmi/ → [ˈdʒe.re.mi]

البته لازم به ذکر است که رعایت الگوی تکیه‌ی زبان مبدأ در زبان پارسی فقط شامل نام اشخاص می‌شود نه کل مقولۀ دستوری اسم. تکیه‌ی واژه‌هایی که مقولۀ دستوری آنها اسم است، تابع الگوی تکیه‌ی زبان پارسی است و بر هجای آخر قرار می‌گیرد:

«کی»	/ˈkɪ/ → [ko.'pi]	, «تبلت»	/ˈtæb.lɪt/ → [tab.'let]
«لپ‌تاپ»	/ˈlæp.tɑp/ → [lap.'tɑp]	, «گرامر»	/ˈgræ.mər/ → [je.ra.'mɛr]

ب- اگر در آغازۀ اولین هجای نام‌های کوچک و خانوادگی یک خوشه همخوانی وجود داشته باشد، یک واکه بین دو همخوان خوشه درج می‌شود و معمولاً تکیه بر هجای دوم قرار می‌گیرد. بدین ترتیب تک‌هجای CCV به دو هجای CV!CV تبدیل می‌شود تا ساخت هجایی این واژه‌ها با ساخت هجایی زبان فارسی هماهنگ شود. البته اگر خوشه همخوانی متشکل از همخوان /s/ و یک همخوان دیگر به‌جز /w/ باشد، در ابتدای آن [ʔe] درج می‌شود. ولی اگر خوشه همخوانی متشکل از همخوان /s/ و همخوان /w/ باشد، واکه [u] مابین آنها درج می‌شود:

«فردریک»	/fredrik/ → [fe.'red.ric]	, «بروس»	/'brus/ → [bu.'rus]
«کلارک»	/'klark/ → [ce.'larc]	, «برَد»	/'bræd/ → [be.'rad]
«سوویت»	/'swit/ → [su.'wit]	, «استیو»	/'stiv/ → [ʔes.'tiv]

پرسی می شود این است که چگونه گویشوران زبان پارسی می دانند که کسره اضافه به نام کوچک خارجیان افزوده نمی شود و فقط ویژه ایرانیان است، و الگوی تکیه نام خارجیان با الگوی تکیه نام ایرانیان تفاوت دارد؟ در پاسخ باید گفت که منشاء این دانش زبانی ناخود آگاه تلفظ نام های خارجیان در رسانه ها همچون اخبار صدا و سیما، گزارش مسابقات ورزشی، فیلم های مستند و سینمایی دوبله شده و... است.

### ۲-۲-۱- کاربرد واژه «خانم/ آقای» با نام خانوادگی یا با نام و نام خانوادگی

اگر واژه «خانم/ آقای» با نام های خانوادگی غیر ایرانیان به کار برود، تکیه مانند نام های ایرانیان بر هجای آخر قرار می گیرد. مانند نمونه های (۲۱) که تکیه در آنها در تلفظ پارسی هم به صورت مجزا، هم همراه با واژه «خانم/ آقای» به دو صورت درست و نادرست مشخص شده است:

«آقای رونالدو»	[ro.'nal.do], [ʔa.'Ga.je ro.nal.'do/ *ro.'nal.do]	(۲۱)
«خانم فردریک»	[fe.'red. ric], [χa.'no.me fe.red.'ric/ *fe.'red.ric]	

ولی اگر واژه «خانم/ آقای» با نام کوچک و نام خانوادگی غیر ایرانیان به کار برود، الگوی تکیه تابع الگوی زبان پارسی نیست، بلکه معمولاً طبق همان موارد (الف) و (ب) در بخش (۲-۲) خواهد بود. مانند «آقای مایکل رونالدو» و «خانم کلودیا فردریک»:

[ʔa.'Ga.je 'maj.cel ro.'nal.do]	, [ʔa.'Ga.je 'maj.cel ro.'nal.do]	(۲۲)
[χa.'no.me ke'lo.di.ja fe.red.'ric]	, [χa.'no.me ke'lo.di.ja fe.red.'ric]	

اکنون این پرسش مطرح می شود که چرا قرار گرفتن واژه «خانم/ آقای» پیش از نام خانوادگی موجب جابه جایی تکیه می شود، ولی پیش از نام کوچک و نام خانوادگی باعث جابه جایی تکیه نمی شود؟ در پاسخ باید گفت که با قرار گرفتن واژه «خانم/ آقای» پیش از نام خانوادگی غیر ایرانیان یک ساخت نحوی ایجاد می شود. مسلماً، تکیه دو واژه از دو زبان مختلف در یک ساخت نحوی باید هماهنگ باشد. از این رو، تکیه واژه «خانم/ آقای» و نام خانوادگی در این ساخت نحوی تابع الگوی تکیه زبان پارسی است. از سویی دیگر،

به نظر می‌رسد که از در کنار هم قرار گرفتن نام کوچک و نام خانوادگی یک ساخت ترکیب مانند ایجاد می‌شود. زیرا آنها با یکدیگر نوعی باهمایی دارند. از آنجاکه براساس فرضیه واژگان‌گرا<sup>۱</sup> قواعد نحوی به ساختمان درونی ترکیبها دسترسی ندارند، قرار گرفتن واژه «خانم/ آقای» پیش از نام خانوادگی موجب جابه‌جایی تکیه در ترکیب نام کوچک و نام خانوادگی نمی‌شود.

### ۲-۲-۲ - نام‌های غیرایرانیان آشنا

همان‌گونه که پیشتر بیان شد، کسره اضافه به نام‌های غیرایرانیان افزوده نمی‌شود و الگوی تکیه آنها نیز متفاوت است. ولی تکیه نام اشخاص غیرایرانی‌ای که برای گویشوران بسیار آشنایند، مانند نام‌های ایرانیان بر هجای آخر قرار می‌گیرد. برای نمونه، نام‌های معصومین (ع) به لحاظ تکیه و حتی کسره اضافه تابع همان قواعد تلفظ نام‌های ایرانیان هستند. می‌توان علاقه و ارادت ایرانیان به اهل بیت و معصومین (ع) و از خود دانستن آنها را دلیل این امر دانست:

[mo.ham.'ma.de mos.ta.'fa]	«محمد مصطفی (ص)»
[ʔe.'mam ʔa.'li.je na.'Gi]	«امام علی نقی (ع)»
[ʔe.'mam ha.'sa.ne ʔas.ca.'ri]	«امام حسن عسکری (ع)»

اگر اشخاص غیرایرانی خاصی به دلایل گوناگونی برای گویشوران بسیار آشنا باشند، همان الگوی تکیه نام ایرانیان در مورد نام آنها به کار می‌رود. برای نمونه، مدرسان و دانشجویان زبان‌شناسی نام‌هایی مانند «چامسکی»، «سوسور»، «بلومفیلد» و «هلیدی» را با قراردادن تکیه بر هجای آخر تلفظ می‌کنند. در حالی که به نظر می‌رسد افرادی که با زبان‌شناسی ارتباطی ندارند، این نام‌ها را با قراردادن تکیه بر هجای نخست تلفظ می‌کنند.

### ۳ - نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش به صورت فهرست‌وار در زیر ارائه شده‌است:

الف- به‌رغم اینکه کسره اضافه به هر اسمی در ساخت‌های اضافی یا وصفی می‌چسبد، به هر نام کوچکی افزوده نمی‌شود.



ب- تلفظ نام کوچک همراه با نام خانوادگی ایرانیان چه با ریشه پارسى، عربى، تركى يا فرنگى، به دو صورت انجام مى شود؛ يا با افزودن كسره اضافه به نام كوچك يا بدون كسره اضافه. افزودن يا نيفزودن كسره اضافه مشروط به شرايط ويژه اى است؛ اگر آخرين واچ نام كوچك يك همخوان باشد، يك كسره اضافه به آن افزوده مى شود.

پ- به انتهاي نامهاي كوچكى كه آخرين واچ آنها واكاههاي پيشين /i/ و /e/ است، كسره اضافه افزوده مى شود.

ت- چسبیدن كسره اضافه به انتهاي نامهاي كوچكى كه آخرين واچ آنها واكه پيشين /e/ است موجب ككشش واكه به صورت [e:] يا درج همخوان ميانجى /j/ ميان دو رخداد واكه /e/ مى شود.

ث- به انتهاي نامهاي كوچكى كه آخرين واچ آنها يكي از واكاههاي پسین /u/، /o/ يا /a/ است، معمولاً كسره اضافه افزوده نمى شود. دليل آن براساس «اصل كوشش كمينه» دو عامل فيزيكى جابه جايى بيشتر اندام فراگويى و طول مدت زمان بيشتر در توليد آواست كه كوشش بيشتر و مصرف بيشتر انرژى را مى طلبد.

ج- نيفزودن كسره اضافه به نام كوچك معمولاً موجب تلفظ بدون درنگ، پيوسته و يك نفس نام كوچك و نام خانوادگى مى شود. در اين حالت انتهاي نام كوچك به ابتدای نام خانوادگى مى چسبد. گويى نام كوچك و نام خانوادگى يك نام است. اين وضعيت موجب حذف تكيه اصلى نام كوچك مى شود. بنابراين، فقط هجای آخر نام خانوادگى داراى تكيه اصلى خواهد بود.

چ- عدم کاربرد كسره اضافه در مورد نامهاي ایرانیان ارمنى نشان مى دهد كه اين واژه بست مشروط به بافت فرهنگى و نوع نام است. دين، فرهنگ و نامهاي متفاوت ارمنيان موجب تمايز ايشان از ساير ایرانیان و بازتاب آن در زبان پارسى شده است.

ح- در صورتى كه فقط نام كوچك يا فقط نام خانوادگى غيرایرانيان تلفظ شود، يا نام كوچك و خانوادگى دريى هم تلفظ شوند، معمولاً همان الكوى تكيه زبان مبدأ رعايت مى شود. البته الكوى تكيه زبان مبدأ نام هنگامى رعايت مى شود كه ساخت هجايى آن مطابق ساخت هجايى زبان پارسى باشد. ولى اگر در آغازه اولين هجای نامهاي كوچك و خانوادگى يك خوشه همخوانى وجود داشته باشد، يك واكه بين دو همخوان خوشه درج

می‌شود و معمولاً تکیه بر هجای دوم قرار می‌گیرد. البته اگر خوشه همخوانی متشکل از همخوان /s/ و یک همخوان دیگر به‌جز /w/ باشد، در ابتدای این خوشه /ʔe/ درج می‌شود. ولی اگر خوشه همخوانی متشکل از همخوان /s/ و همخوان /w/ باشد، واکه /u/ مابین آنها درج می‌شود.

خ- قرار گرفتن واژه «خانم/ آقای» پیش از نام خانوادگی غیرایرانیان موجب جابه‌جایی تکیه نام خانوادگی شده و تکیه آن مانند نام‌های ایرانیان بر هجای آخر قرار می‌گیرد، زیرا با قرار گرفتن واژه «خانم/ آقای» پیش از نام خانوادگی غیرایرانیان یک ساخت نحوی ایجاد می‌شود. مسلماً، تکیه دو واژه از دو زبان مختلف در یک ساخت نحوی باید هماهنگ باشد. از این‌رو، تکیه واژه «خانم/ آقای» و نام خانوادگی در این ساخت نحوی تابع الگوی تکیه زبان پارسی است.

د- قرار گرفتن واژه «خانم/ آقای» پیش از نام کوچک و نام خانوادگی غیرایرانیان باعث جابه‌جایی تکیه نمی‌شود. زیرا به نظر می‌رسد که از در کنار هم قرار گرفتن نام کوچک و نام خانوادگی یک ترکیب ایجاد می‌شود که با یکدیگر نوعی باهمایی دارند. از آنجا که براساس فرضیه واژگان‌گرا قواعد نحوی به ساختمان درونی ترکیبها دسترسی ندارند، قرار گرفتن واژه «خانم/ آقای» پیش از نام خانوادگی موجب جابه‌جایی تکیه در ترکیب نام کوچک و نام خانوادگی نمی‌شود.

ذ- به لحاظ ملیتی/ فرهنگی می‌توان کاربرد یا عدم کاربرد کسره اضافه و تکیه پایانی بودن یا تکیه پایانی نبودن نام‌ها را روی پیوستار زیر نشان داد:

ایرانیان/ معصومین (ع): [+کسره اضافه، + تکیه پایانی]، ایرانیان ارمنی/ غیرایرانیان آشنا:

[-کسره اضافه، + تکیه پایانی]، غیرایرانیان: [-کسره اضافه، - تکیه پایانی].

## منابع

- ابوالحسنی زاده، وحیده (۱۳۹۲)، «بررسی آکوستیکی همبسته‌های آوایی تکیه در زبان فارسی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال پنجم، شماره ۱، صص ۱۸-۱.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۵)، دستور تاریخی زبان فارسی، تهران: سمت.
- استاجی، اعظم و جهانگیری، نادر (۱۳۸۵)، «منشأ کسره اضافه در زبان فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۴۷، صص ۸۲-۶۹.
- اسلامی، محرم (۱۳۸۸)، «تکیه در زبان فارسی»، دوفصلنامه پردازش علایم و داده‌ها، شماره ۱، (پیاپی ۱۱)، صص ۱-۱۲.
- بی‌جن خان، محمود و نوربخش، ماندانا (۱۳۸۵)، «واج‌شناسی نوایی و زبان فارسی»، ویژه‌نامه زبان‌شناسی، نامه پژوهشگاه، شماره ۱۴ و ۱۵، صص ۳۳-۱۸.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۵۶)، آواشناسی، تهران: آگاه.
- راستارگویا، و. س (۱۳۴۷)، دستور زبان فارسی میانه، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۳)، «معرفی نظریه بهینگی و بررسی تکیه در فارسی»، مجله زبان‌شناسی، شماره ۱ (پیاپی ۱۹)، صص ۶۶-۴۲.
- سپینتا، ساسان (۱۳۵۱)، بررسی فونتیکی خصوصیات واج‌های زبان فارسی. رساله دکتری زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران.
- شقاقی، ویدا (۱۳۸۶)، مبانی صرف، تهران: سمت.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۶۸)، «عوض‌شدن جای تکیه در بعضی کلمات فارسی»، مجله زبان‌شناسی، شماره ۱ (پیاپی ۶)، صص ۲۸-۲۳.
- کلباسی، ایران (۱۳۷۱)، ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- محمودا، ع (۱۳۵۲)، «ویژگی‌های تکیه در زبان فارسی معاصر»، گفتارهایی پیرامون مسائل زبان‌شناسی ایرانی، ترجمه ح. صدیق، تهران: بامداد، صص ۱۲۰-۷۲.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۳)، وزن شعر فارسی، تهران: توس.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، تاریخ زبان فارسی، تهران: فردوس.
- وزیری، علینقی (۱۳۰۱)، تعلیمات موسیقی، جلد ۱، تهران: چاپخانه کویانی برلین.
- Amini, A (1997), On Stress in Persian. *Toronto Working Papers in Linguistics*, 16(1), 1-20.
- Boersma, P (1998), *Functional phonology. Formalizing the interactions between articulatory and perceptual drives*. Utrecht: LOT.

- Bussmann, H (1996), *Routledge dictionary of language and linguistics*. London and New York: Routledge.
- Chodźko A. B (1852), *Grammaire Persane, ou Principes de l'Iranien Moderne*. Paris: Imprimerie Nationale.
- Ferguson, C (1957), Word Stress in Persian. *Language*. 33: 123- 135.
- Ghomeshi, J (1997), Non- projecting Nouns and The Ezafe Construction in Persian. *Natural Language and Linguistic Theory* **15**: 729-788.
- Harris, A. C (2002), *Endoclitics and the Origins of Udi Morphosyntax*. Oxford: Oxford University Press.
- Hayati, A. M (1997), A Contrastive Analysis of English and Persian Stress. *PSiCL*, 32: 51-56.
- Kahnemuyipour, A (2003), Syntactic Categories and Persian Stress. *Natural Language & Linguistic Theory*, **21**: 333-379.
- Kari, Ethelbert Emmanuel (2003) *Clitics in Degema: A Meeting Point of Phonology, Morphology, and Syntax*. Tokyo: Research Institute for Languages and Cultures of Asia and Africa.
- Kirchner, R (2001), *An Effort Based Approach to Consonant Lenition*. New York. Routledge.
- Phillot, D. G (1919), *Higher Persian Grammar*. Calcutta: The University Press.
- Yarmohammadi, L (1964), *A Contrastive Study of Modern English and Modern Persian*. Doctoral dissertation. Indiana university.
- Zwicky, A. M. and G. K. Pullum (1983), “ Cliticization verses Inflection: English *n't*.”, *Language*, 59, 502-13.